

قاتل پس از ۹ ماه زندگی مخفیانه بازداشت شد

قتل همسر به بهانه نداشتن شغل مناسب

به دستور قاضی به پزشکی قانونی منتقل شد. وقتی مشخص شد که رضا با موتور خانه را ترک کرده است، شماره پلاک موتور او در سامانه پلیس ثبت شد و او تحت تعقیب قرار گرفت.

در حالی که هیچ سرنخی از مخفیگاه رضا در دست پلیس نبود، سرانجام ساعت ۱۵ روز دوشنبه، ۲۲آزمایه‌امورآن پلیس آگاهی هنگام گشت‌زنی در میدان حسن‌آباد، موتور رضا را شناسایی کردند و به راکب آن فرمان ایست دادند. راکب که به نظر می‌رسید همان قاتل فراری باشد، وقتی با هشدار پلیس مواجه شد،از محل گریخت. تعقیب و گریز ادامه داشت تا اینکه رضا باها کردن موتور پای پیاده‌هاز کرد، اما سرانجام دستگیر شد.

او در اولین بازجویی‌ها به قتل همسرش اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: همسر‌از بستگانم بود که دو سال قبل با هم وصلت کردیم. من یک موتور یک رستوران بودم و همسر و خانواده‌اش هم این موضوع را دانستند. مدتی قبل از حادثه همسر مدام به شغل من ایراد می‌گرفت و می‌خواست به دنبال کار آبرومند باشم. او مدام همراه‌دوستانش به گردش می‌رفت. روز حادثه هم سر همین موضوع باهم مشاجره کردیم. گفت که بلند شوو از خانه بیرون برو و کار مناسبی پیدا کن. من ناراحت بودم به خاطر همین به اتاق خواب رتم و خوابیدم. لحظاتی بعد همسر وارد اتاق شد و مقداری آب روی من ریخت و گفت بلند شو از خانه بیرون برو. سر این موضوع مشاجرهمان بالاگرفت. بعد هم خواست از خانه بیرون برود که گردش را گرفت و او را به اتاق خواب کشاندم. آنجا بود که دیدم حرکت نمی‌کند. فهمیدم که فوت شده است. بعد کاغذی برداشتم و به قتل اعتراف کردم. سپس خانه را ترک و ارتباطم را با همه‌دوستان و بستگانم قطع کردم. توانستم با هویتی جعلی در رستورانی در خیابان پاچنار برای خودم کاری پیدا کنم، اما سرانجام دستگیر شدم.

سرهنگ کار آگاه همسر مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراف متهم به ارتکاب قتل، تحقیقات بیشتر از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران در جریان است.

همه‌اش به خاطر اون گوشی لعنتی بود.

گوشی موبایل؟

بله. محرم سال قبل بود که برای همسر یک گوشی لمسی خوب خریدم. پس از این به رفتار همسر مشکوک شدم. او در شبکه‌های مجازی گشت و گذار می‌کرد. همیشه از طریق تلگرام با دوستانش ارتباط پیامکی داشت و همین موضوع باعث شد به او شک کنم. خیلی از همسر خواستم تا ارتباط تلگرامی با دوستانش نداشته باشد، اما فایده‌ای نداشت. او می‌دانست که من به رفتارش مشکوک‌ام، اما توجهی نمی‌کرد. آخرش تلگرام زندگی‌ام را نابود کرد.

خب به جای اینکه مر تکب قتل شوی بهتر نبود از همسرت جدا می‌شدی؟
گفتم که من قصد قتل نداشت‌م و این اتفاق ناخواسته بود.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

من در یک موتوروی کار می‌کردم و ساعت ۹ صبح می‌رفتم تا ۱۱ شب. اما هر روز ظهرها به خانه می‌آمدم و نیم ساعت استراحت می‌کردم. آن روز همسر خواست از بیرون برایش غذا تهیه کنم و از آنجایی که خیلی دوستش داشتم، همان غذایی که دوست‌داشت بودم که همسرم به من گفت چرا به محل کار نمی‌روم.

در همین لحظه گوشی تلفن خانه ما زنگ خورد. مادر زخم زشت خراب بود و با همسرم داشت حرف می‌زد که متوجه شدم همسرم به شدت ناراحت و عصبانی شده است. پس از اینکه تلفن را قطع کرد، همسرم رو به من کرد و گفت به مادرش چه گفتم‌ام، اما من نمی‌دانستم

گفت‌وگو با متهم

شما که مر تکب قتل همسرت شدی چرا بعد از حادثه فرار کردی؟

قصد قتل نداشت‌م. اما وقتی متوجه شدم همسر فوت شده خیلی ترسیدم. به هر حال من قاتل شده بودم و از ترس اینکه دستگیر نشوم، فرار کردم.

کجا فرار کردی؟

با موتور از خانه بیرون آمدم. حیران و سرگردان داخل خیابان بودم. در دست نمی‌توانستم تصمیم بگیرم تا اینکه به ترمینال جنوب رتم و یک هفته در ترمینال بودم.

بعد از یک هفته به کجا رفتی؟

بیکار بودم و پولی نداشت‌م تا اینکه تصمیم گرفتم دنبال کار بروم و در نهایت به عنوان بیک موتوروی در یک رستوران در حوالی حسن آباد شروع به کار کردم.

با هویت جعلی شروع به کار کردی؟

نه. مدارک داشتم. اما به صاحب‌کارم گفتم که شهرستانی هستم و به همین دلیل صاحب‌هم همانجا می‌خواهیدم.

در این مدت عذاب وجدان نداشتی؟

من هر شب کلبوس می‌دیدم. شب و روز خواب نداشت‌م. لحظه‌ای هم که می‌خواهیدم با دیدن کلبوس بیدار می‌شدم. بعضی شبها همسرم به خوابم می‌آمد و خیلی اذیت می‌شدم به طوری که خسته شده بودم.

چرا گر به می‌کنی؟

همسر را دوست داشتم و نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد

پس چرا همسرت را کشتی؟

قتل شبانه کارمند دارالترجمه با شلیک گلوله

کارمند دارالترجمه که شامگاه دوشنبه مشغول تعویض چرخ پنجر شده خودروی خود در غرب تهران بود با شلیک گلوله دو مرد نقابدار کشته شد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه شامگاه دوشنبه ۲۲ آذرماه، قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب از قتل مرد جوانی در خیابان بخشایش با خیبر و همراه کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه با جسد مرد ۲۶ ساله‌ای به نام پیمان کنار خودروی سواری‌اش روبرو شدند که با شلیک دو گلوله به سرش از پای در آمده بود. بررسی‌های ابتدایی تیم جنایی نشان داد مقتول کارمند دارالترجمه‌ای در حوالی خیابان فردوسی بوده که پس از پایان کارش با خودرواش به طرف خانه‌اش در حال رانندگی بوده که متوجه می‌شود یکی از لاستیک‌های خودرواش پنجر شده است. پس از این مقتول خودرواش را برای تعویض لاستیک کنار خیابان متوقف می‌کند و لاستیک زاپاس خودرواش را بیرون می‌ورد و در حال تعویض لاستیک است که خودروی پرابدی با دو سرنشین در نزدیکی خودرواش متوقف می‌شود و تانیه‌هایی بعد یکی از سرنشینان خودروی پرابد پیاده و به مقتول نزدیک می‌شود و در تاریکی شب از پشت با اسلحه کمری دو تیر به سر مقتول شلیک می‌کند. مر ضارب که نقاب بر صورت داشته است، بلافاصله سوار بر خودروی پرابد می‌شود و راننده هم به سرعت از محل می‌گریزد. یکی از رهگذران گفت: در حال عبور از خیابان بودم که دیدم این مرد کنار خودرواش خونی افتاده است. بلافاصله موضوع را به پلیس و اورژانس خبر دادم. عوامل اورژانس متنی رسیدند، اعلام کردند او فوت کرده است. همچنین مشخص شد مقتول متأهل است و فرزند هم دارد.

در ادامه جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. کار آگاهان به دستور قاضی مرادی تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی مرد تیرانداز و همدستش و بر ملاکردن راز این حادثه آغاز کرده‌اند.

حواشات

سرویس حوادث ۸۸۹۹۸۴۳۵



مرگ مرد میانسال در آتش سوزی بامدادی

مرد میانسالی در حادثه آتش سوزی خانه‌اش در غرب تهران کشته شد. در جریان حادثه‌ای دیگر مادر و دو کودکش از حادثه آتش‌سوزی مشابهی نجات یافتند.

سختگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در توضیح حادثه گفت: این حادثه ساعت ۲۵ دقیقه بامداد در بلوار فردوس (خیابان سلیمی چه‌رمی) اتفاق افتاد و مأموران چهار ایستگاه آتش‌نشانی بعد از اطلاع از وقوع حادثه در محل حاضر شدند. محل حادثه طبقه دوم ساختمانی چهار طبقه بود. جلال ملکی دامه‌داد آتش‌نشانش بعد از مهار آتش، با پیگیری جان مردی حدوداً ۵۰ساله مواجه شدند. وی گفت: امدادگران اورژانس بعد از معاینه تأیید کردند که این مرد فوت شده است. وی گفت: علت حادثه در دست بررسی است.

■ **نجات مادر و دو دخترش از مرگ حتمی**

در جریان حادثه‌ای دیگر که چند ساعت قبل از این حادثه اتفاق افتاد، یک مادر و دو دخترش از حادثه آتش‌سوزی نجات یافتند. جلال ملکی در توضیح این حادثه هم گفت: محل حادثه یک واحد مسکونی ۲۶۰ متری در سعادت‌آباد بود که با حضور به موقع آتش‌نشان یک مادر ۳۳ ساله همراه دو دختر ۱۵ و ۱۰ ساله‌اش در مرگ حتمی نجات یافتند. ساعت ۲۲ بود که حادثه در خیابان طاهر خانی سعادت‌آباد اتفاق افتاد. محل حادثه هم طبقه دوم یک مجتمع مسکونی ۱۰ طبقه، واحدی بود آتش‌سوزی هم در قسمت پذیرایی، اتاق خواب و قسمت سونای خشک خانه رقم خورد. وی ادامه داد: آتش‌نشان بعد از ایزن کردن محل، مادر جوان و دو دخترش را که در وضعیت وخیمی گرفتار دو درگرفته شگی فوته بودند به محل امن منتقل و راهی بیمارستان کردند. جلال ملکی گفت که علت هر دو حادثه در دست بررسی است.

نجات قاتل پس از بازسازی صحنه قتل در دادگاه

به مصرف مواد اعصاب پیدا کرد. وقتی خانواده‌اش اعتیاد او را فهمیدند و متوجه اختلاف ما شدند، تصمیم گرفتند او را در کمپ بستری کنند. یکی از پزشکان کمپ گفت او قلبش ناراحت است و باید پیوند شود. مدتی بعد هم به خاطر ایست قلبی و مغزی فوت کرد. با حقوق بازنستگنی شوهرم خانم‌ای اجاره کرده بودم و تنها زندگی می‌کردم. البته خانواده‌ام به من سر می‌زدند. وی ادامه داد: یک روز در پارک محله مشغول پیاده‌روی بودم که با آرمین آشنا شدم. بعد از مدتی مرا به خانواده‌اش معرفی کرد و آنها در مورد اعتیاد آرمین با من صحبت کردند. من به آرمین علاقه‌مند شده بودم و به آنها قول دادم برای ترک اعتیاد پسرشان همه تلاشم را بکنم. بعد از ازدواج ما بود که آرمین حالش خوب شد تا اینکه یکی از دوستانش دوباره او را اوسوسه کرد و آرمین را به سمت مواد مخدر کشاند. اخلاق آرمین عوض شده بود. در این مدت چند بار هم درگیری لفظی پیدا کرده بودم، ولی او باخود او مرا به شدت تنگ می‌زد و مجبور بودم از خودم دفاع کنم.

متهم در توضیح حادثه گفت: آرمین ساعت ۲ نیمه شب بود که به خانه آمد و گفت که می‌خواهد مواد بکشد. به او اجازه ندادم، عصبانی شد و فریاد زد! اگر اجازه ندهی در راه پله می‌کشم تا آبرویت جلوی همسایه‌ها برود. برای اینکه او را از این کار منصرف کنم گفتم، الان زنگ می‌زنم و به خانواده‌ات می‌گویم. همین حرف او را بیشتر عصبانی کرد و چاقو را برداشت و به سمت من حمله کرد. چاقو را از دستش گرفتم و او همچنان مرا تک می‌زد. بادستش سعی می‌کرد، چاقو را بگیرد ولی نتوانست. دستش را بلند کرد و موهایم را می‌کشید و یک دستش به چاقو بود. او را هل دادم و از در ورودی بیرونش کردم. بعد از لحظاتی برای اینکه صدای او همسایه‌ها را اذیت نکند، در راز باز شاره‌اش نشاند و گفت که به او علاقه‌مند است و می‌خواهد با او ازدواج کند. من همسرش را به منزل دعوت کردم و به او گفتمم آرمین به مواد مخدر اعتیاد دارد. او قول داد تا از آرمین مراقبت و او را برای ترک کردن مواد کمک کند. خیلی امیدوار شدم و آن دو با هم وصلت کردند. شراره برای من مثل دختر بود و ما او را خیلی دوست داشتیم. به‌خاطر سختی‌هایی که شراره کشیده بود، همیشه من و همسرم به آرمین سفارش می‌کردیم که او را اذیت نکنند. آرمین پسر آرامی بود و همه اقوام و همسایه‌ها از او تعریف می‌کردند. اصلاً فکر نمی‌کردیم که با شراره رابطه‌ای داریم. هرگز شود که چاقو بکشد و باعث این جنایت شود. همه این رفتارها به خاطر مواد مخدر بود.

سپس متهم در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: ۲۰ ساله بودم که به خانه یخت رفتم. زندگی خوبی داشتم ولی شوهرم بعد از چند ماه

حل مشکل ترافیک تهران نیازمند تصمیم کلان کشوری است

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ با بیان اینکه حل مشکل ترافیک تهران نیازمند تصمیم کلان کشوری است، گفت: امروز به جای رسیدن‌ایم که مسئولان و مردم با یکدیگر همصدا هستند و این بهترین فرصت برای حل مشکل است.

به گزارش خبرنگار ما، سردار محمدرضا مهباندار صبح دیروز در اولین نشست خبری خود گفت: آنچه امروز تهران را آزار می‌دهد، بی‌نظمی در حوزه ترافیک است که یکی از آنها، رعایت نکردن قانون و مقررات است و دومین

مورد آن ساماندهی نکردن تردد در شهر تهران است به طوری که هر کسی با هر مدلی و هر وسیله‌ای می‌خواهد در تهران رانندگی کند.

وی با اشاره به اینکه یکی از اولویت‌های پلیس بر خورد با ناهنجاری‌ها است، افزود: ابتدا باید با آموزش تعدادی از ناهنجاری‌ها را بر طرف کنیم تا پلیس با حداقل ناهنجاری‌ها برخورد داشته باشد.

به گفته سردار مهباندار در ساعاتی از صبح و بعد از ظهر معابر تهران اشباع می‌شود و در مناطق ۲، ۳، ۱۲ و ۱۰، ۲۵ درصد بیش از ظرفیت معابر خودرو به آن وارد می‌شود و این موضوع هر روز وضعیت شهر را بدتر می‌کند و نیاز به ساماندهی دارد.

سردار مهباندار با اشاره به اینکه نبود نگاه ترافیکی بر برخی موضوعات از جمله برگزاری نمایشگاه نیز از دیگر مشکلاتی است که بر بی‌نظمی تهران می‌افزاید، گفت: ترافیک امروز از گذشته حاصل بی‌توجهی‌های دیروز است، حتماً باید برای آن چاره‌ای اندیشیده شود و این چاره در اختیار مدیریت کلان کشور است و الان مشکلات به جای رسیده که صدای همه در آمده و همه ناراحت هستند و وضعیت ترافیک غیر قابل تحمل است و بهترین موقع است که با این هم صدایی، وضعیت ترافیک تهران را حل و فصل کنیم.

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ در ادامه ترافیک تهران را به یک بیماری که حال وخیمی دارد تشبیه کرد و گفت: کوچک‌ترین تلنگر به این بیمار باعث می‌شود که به کما برود، بنابراین کوچک‌ترین مداخله ترافیک تهران را دچار اختلال می‌کند چه بسا که با کمترین بارش باران یا برف یا برگزاری نمایشگاه در تهران وضعیت ترافیک تهران وخیم‌تر می‌شود و تهران به طرز کلی قفل می‌شود؛ در چنین شرایطی است که شهروندان مسیر ۱/۵ ساعت را ۳/۵ ساعت طی می‌کنند. وی با بیان اینکه پلیس، مسئول اجرای قوانین است، گفت: پلیس سیاستگذار نیست بلکه مراجع بالادستی مثل شورای عالی ترافیک مسئول سیاستگذاری در حوزه ترافیک هستند. پلیس غیر از اجرای مقررات نمی‌تواند اقدامی انجام دهد.

مرگ خاموش ۳ کارگر

سه کارگر در جریان حادثه گاز گرفتگی در شهرستان کرمانشاه جان باختند.

صبح دیروز بود که امدادگران از وقوع حادثه در محله جعفرآباد کرمانشاه با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که سه کارگر به علت استشاق گاز مونوکسیدکربن فوت شده‌اند. محل حادثه اتاقک کارگری در شرکت فروش کاشی بود و قربانیان حادثه روز دوشنبه برای خرید کاشی از یکی از شهرهای همسایه به این محل آمده بودند که دچار حادثه فوت شدند. علت حادثه بسته‌شدن دودکش و پخش گاز مونوکسیدکربن در فضای اتاق اعلام شده است.



بلافاصله محوولی

پارک‌کردن خودرو

آیا کسی می‌تواند از پارک خودروها در مقابل مغازه یا منزل خود جلوگیری کند؟ و آیا جلوی مغازه یا منزل، جزئی از حریم خصوصی و شخصی محسوب می‌شود یا خیر؟

بسیاری از اوقات دیده‌ایم که مغازه‌داران با قراردادن اجسامی مانند سطل زباله و غیره در مقابل مغازه خود، مانع پارک خودروها در آنجا می‌شوند. همچنین بسیاری از افراد با یک تصور اشتباه قضایی مقابل منزل‌شان را جزئی از ملک خود می‌دانند و اجازه پارک کردن هیچ وسیله نقلیه‌ای را با قراردادن میله یا سایر اجسام نمی‌دهند و حتی با نصب نوشته‌هایی، تهدید می‌کنند لاستیک خودروهایی که در آنجا پارک شود، پنجر خواهد شد! این افراد نسبت به محیط مقابل مغازه یا منزل‌شان دارای حقی نیستند و این کارها کاملاً اشتباه و غیرقانونی است و قانون به هیچ‌وجه چنین حقی برای کسی قائل نیست. بنابراین صاحب مغازه یا خانه نمی‌تواند از پارک کردن افراد جلوگیری کند و در صورت ممانعت از پارک خودرو، اشخاصی مذکور از نظر قانونی مسئول و مجرم بوده و افراد می‌توانند از طریق گزارش به پلیس ۱۱۰ اقدام به طرح شکایت در دادسرا کنند. بنابراین اگر مالکان منازل و مغازه‌ها بخواهند برای جلوگیری از پارک کردن خودرو توسط دیگران به قانون متوسل شوند، قانون هیچ حقی برای آنها قائل نیست و قاضی پرونده را خواهد بست. البته یادآوری این نکته ضروری است که این موضوع نباید با پارک کردن خودرو جلوی در ورودی حیاط یا پارکینگ منازل یا مغازه‌ها اشتباه شود، چون چنین اقدامی تخلف بوده و قابل پیگیری قانونی توسط صاحبان آن اماکن است.

آگهی رونوشت حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت زینب جان آزادی فرزند حسین دارای شناسنامه شماره ۱۵۸۲

صادره از زایل به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۲۰۰۵۹۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت شده به شناسنامه ۲۰۰۵۸۸ از اهدان در تاریخ ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۲۰۰۵۹۹۸۵۵۰۲۰۰۵۸۸ دادخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی اکبر کهانی فرزند محمد جان به شناسنامه ۵۰۷۲ صادره از زاهدان در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۲ افتخارگه دانستی خود بدرد حیات گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱. متقاضی با مشخصات فوق الذکر همسر متوفی و لاغیر.
۲. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
تاریخ نشر آگهی: ۲۷/۱/۹۵

محمدرضا طاهری نسب - قاضی شورای حل اختلاف شماره یک زاهدان

آگهی رونوشت حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت حسنا کهانی فرزند علی اکبر دارای شناسنامه شماره ۳۲۱۲۱۹۸۹۹۹۹ صادره از زاهدان به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۲۰۰۵۹۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی اکبر کهانی فرزند محمد جان به شناسنامه ۵۰۷۲ صادره از زاهدان در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۲ افتخارگه دانستی خود بدرد حیات گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱. متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر فرزند متوفی
۲. رضا کهانی فرزند علی اکبر ش.ش: ۲۷۲ صادره از زاهدان فرزند متوفی
۳. کبری کهانی فرزند اکبر ش.ش: ۲۵۲۹۰ صادره از زاهدان فرزند متوفی
۴. زهرا کهانی فرزند علی اکبر ش.ش: ۹۹/۹۶ صادره از زاهدان فرزند متوفی
۵. جواد کهانی فرزند علی اکبر ش.ش: ۱۹۴۴ صادره از زاهدان فرزند متوفی
۶. صفری سزوری فرزند محمد جان ش.ش: ۵۰۰ همسر متوفی و لاغیر.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
تاریخ نشر آگهی: ۲۷/۱/۹۵

محمدرضا طاهری نسب - قاضی شورای حل اختلاف شماره یک زاهدان